

## تطبیق الگوی سنت‌گرایی معماری با زبان الگوی کریستوفر الکساندر (رهیافتی بر تدوین فرایندمحور، نظام الگوی سنتی معماری)

مهرداد رضازاده خادم\* و وحید احمدی\*\*

### چکیده

در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، از جمله جریان‌های مهمی که نقدی ماهوی را نسبت به بنیادهای نظری مدرن وارد کرد، مکتب سنت‌گرایان معنوی بود. نوشته‌های ایشان در حوزه هنر، علی‌رغم اینکه در تبیین جایگاه هنرمند و ریشه‌های باطنی و مبانی حاکم بر آثار معماری سنتی، از نخستین و پراهمیت‌ترین گام‌های پژوهشگران غیرغربی تا امروز محسوب می‌شد، اما به سبب فیلسوف بودن و جامعیت رویکرد غالب این متفکران، شاهد نگاه کلی به ماهیت الگوهای هنر و معماری سنتی بودیم که کمتر در حوزه روش‌شناسی، به چگونگی تحقق مبادی سنت در چهارچوب یک اثر در زمینه خاص زمانی و مکانی خود پرداخته است. وجود این ابهام بیش از پیش به فضای آشفته حاکم بر مطالعات نظری معاصر تاریخ معماری از منظر سنتی و چهارچوب انتظام‌بخش حاکم بر آن دامن زده است. از دیگر سو و در همین زمان، شاهد ظهور پژوهشگران متخصصی چون کریستوفر الکساندر بوده که در نقد رویکرد مدرن، به تبیین روشمندتر، عینی‌تر و فرایندنگرتر از الگوها در زمینه طراحی معماری دارای کیفیت همت گماردند. پژوهش پیش‌رو در تلاش است با بهره‌گیری از روش تحقیق مطالعات تطبیقی و شیوه الگوی جرج پردی، به مقایسه دو نظام‌الگویی مذکور و بیان نقاط اشتراک و افتراق این دو دیدگاه در سه محور کلی ماهیت، ساختار و سازوکار بپردازد، سپس با در نظر گرفتن ویژگی‌های ممتاز و مرتبط هر کدام با مسئله تحقیق و تنظیم چهارچوب سه‌گانه تحلیلی (سلسله افعال ساختارمندی، اعمال و ترجمان)، در تلاش است تا تطبیق بیان خوانا و فرایندگونه الکساندر با ساختار معنایی حاکم بر الگوی معماری سنتی، امکان توانمندسازی و وضوح بیشتر نظام‌الگویی سنت‌گرایان معنوی را در قالب شبکه نظام‌الگوهای سه‌گانه انسانی (فضایل ذاتی معمار)، فعلی (کیفیات فعلی) و کالبدی (خصیلت‌های روحانی، رمزگرایانه و زیباشناسانه) میسر سازد.

**کلیدواژه‌ها:** نظام الگوی سنتی، مکتب سنت‌گرایان معنوی، زبان الگوی الکساندر، مقایسه، تطبیق

## مقدمه

در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، جریان‌های فکری گوناگون در نقد تک‌روایت مطلق جنبش مدرن به عرصه‌های مختلف ذهنی و عینی جامعه جهانی راه یافتند. این امر، فرصت کم‌نظیری را جهت رشد و بالندگی روایت‌ها و گرایش‌های متکثر نسبی در مراتب و طیف‌های متنوع، از نظر تا عمل، در حوزه‌های مختلف تمدن بشری میسر نمود. از جمله این گرایش‌ها، نحله فکری سنت‌گرایان معنوی است که با منظر فلسفی و عام خود، به نقد نگرش مدرن در تمامی حوزه‌های نظری و عملی پرداخته‌اند. ایشان در حوزه معماری، در تلاش بودند تا ذیل احاطه جوهری سنت، الگوهای کلی حاکم بر معماری را تبیین کنند. با این حال، نقدهای مختلفی به خوانش نظری ایشان از الگوهای معماری وارد است:

بخش قابل توجهی از صاحب‌نظران متخصص در حوزه نظری معماری، به نگاه کلی‌گرا، مبهم و رازآلود این مکتب در زمینه شیوه تحقق اثر معماری از ذهن به عین اشاره دارند: «سنت‌گرایان همه امور و از جمله هنر و معماری را در هاله‌ای از قداست و رازآلودگی قرار می‌دهند و به توصیفی ادیبانه از این معماری و شهرسازی بسنده می‌کنند» (حجت، ۱۳۹۴: ۸-۱۰). در حوزه عملیاتی نیز، گروهی از صاحبان قلم به ناکارآمدی پیشنهادهای نگارندگان این جریان فکری در فضای آموزشی و حرفه‌ای و در جایگاه تولید اثر معماری صحنه می‌گذارند: «آنچه در نظرات سنت‌گرایان به آن پرداخته نشده، این است که چگونه دینی بودن و قدسی بودن یک فرم، سبک یا شیوه معماری تعیین می‌شود» (منصوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰). از این رو، این پژوهشگران با دیده شک به کارآمدی امروزین الگوهای سنتی ارائه‌شده توسط نگارندگانی چون بورکهارت، کیبل و نصر در چند دهه گذشته نگرینسته و در تحلیل خویش بیان کرده‌اند که: «... نتوانسته‌اند استفاده مؤثر از دیدگاه‌های سنتی بی‌زمان را در جریان معماری امروز نهادینه کنند» (قدیم‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۳۹). از سوی دیگر، سنت‌گرایان خود راه اصالت‌بخشی به معماری را بازگشت و اتصال به مرکز معنوی خویش می‌دانند، اما با وجود بیان تلویحی منحصر به فرد بودن این ارتباط، اشاره‌ای به شیوه برقراری آن نکرده‌اند: «به‌زعم نصر، معنویت و معرفت در معماری می‌تواند راهکاری باشد برای بازگرداندن هویت و اصالت به معماری حال حاضر. چرایی و چگونگی چنین موضوعی بسیار مبهم است. خود ایشان نیز روشی را در این موضوع اعلام نمی‌کند» (فرشچیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۷). این در حالی است که در پاسخ به این ابهام، سید حسین نصر،

از اعضای اصلی این نحله فکری، در باب تبیین نظام‌الگوهای سنتی معماری بیان داشته است: «همچنان می‌توان شخصاً سنتی زندگی کرد و پیرامون خویش جو و فضایی سنتی ایجاد نمود. شاید از این طریق، هم بتوان به فهم کامل آموزه‌های سنتی راجع به معماری رسید و هم به مدد نیروی معنوی نمادهای موجود در عالم سنتی، طرحی معمارانه زد» (نصر، ۱۳۸۲: ۱۲۴). در مجموع و با مشاهده گفتار ایشان و سایر نویسندگان مکتب سنت‌گرایی، می‌توان گفت که با وجود بیان منحصر به فرد، جامع و چندجانبه از سنت در منظر عام آن، در تبیین خود از بروز بیرونی سنت در حوزه معماری و سنت‌گرایی معمارانه به اهتمام کمتری پرداخته‌اند.

در راستای مطالب بالا، هدف این پژوهش، تلاش در جهت نظام‌مندی و وضوح بیشتر دیدگاه سنت‌گرایان در قالب بیانی الگوی معماری سنتی است. نگارندگان دو پرسش را مطرح نموده‌اند: شباهت و تمایز نظام‌الگوی سنت‌گرایان با نظریه زبان‌الگوی کریستوفر الکساندر در چه مواردی است؟ و چگونه می‌توان با تکیه بر مطالعات تطبیقی در بازخوانی دیدگاه زبان‌الگوی الکساندر، به وضوح و کارآمدی بیشتر خوانش صاحب‌نظران مکتب سنت‌گرایان معنوی از الگوهای معماری دست یافت؟ پژوهش پیش‌رو از روش مطالعه تطبیقی و الگوی جرح بردی بهره برده است. برای پیشبرد هدف و پرسش‌های مطرح‌شده، گام اول پژوهش به گردآوری و توصیف مبانی نظری و ساختار حاکم بر الگوی سنت‌گرایان و زبان‌الگوی الکساندر با استفاده از هم‌جواری و طبقه‌بندی اطلاعات کسب‌شده پرداخته است. گام دوم، مقایسه این دو الگو و استخراج نقاط اشتراک و تفاوتشان بر اساس معیارهای منتخب از منظر ماهوی، ساختاری و عملکردی است. گام انتهایی پژوهش نیز، تطبیق قابلیت فرایندمحور دستگاه‌الگویی الکساندر بر ساختار مفهومی حاکم بر اصول معماری سنت‌گرایان به منظور تنظیم نظام سه‌گانه الگویی با خوانشی روشن و واضح‌تر است.

## پیشینه پژوهش

نگارندگان در دو بخش، به مرور کلی دیدگاه‌ها و پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق خود اقدام می‌نمایند. در بخش مبانی نظری، به آرای سنت‌گرایان در این باب می‌پردازیم. از منظر کلی و عام، سید حسین نصر در مقاله "اسلام سنتی" (۱۳۷۰) به تناظر جوهری میان سنت و الگو اشاره دارد. نصر در کتاب "معرفت و امر قدسی" (۱۳۸۰)، به ماهیت بیانی الگو در انتقال معارف باطنی و ظهور آن در وجوه گوناگون زندگی آدمی در تمدن سنتی تأکید می‌کند. همچنین، در کتاب "آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام" (۱۳۹۲) او معتقد

ایجاد انسجام میان مؤلفه‌های معنایی و معیارهای شکلی پرداخته و امکان خوانش جامعی از آثار معماری سنتی را فراهم می‌سازد.

در همین زمینه، اما با نگاهی غیر تطبیقی و روش تفسیری - تاریخی، مقاله‌ای در سال ۱۳۹۹ با نام "معماری بومی ایران در خوانشی نوین از دههٔ چهل خورشیدی تاکنون" توسط ارباب‌زاده، اعتصام و مفیدی شمرانی نو، با هدف آفرینش زبانی جدید مبتنی بر ارجاع نشانه‌شناسانه از متن معماری بومی به رشتهٔ تحریر درآمد و خوانشی را ارائه کرد تا بتواند ضمن برقراری ارتباط بین معماری، تاریخ و طبیعت، توانایی تولید محصول پاسخگو به نیازهای امروز را داشته باشد و در عین حال، از تکنولوژی‌های پیشرفته بهره‌مند شود. پیش از پژوهش‌های فوق و در سال ۱۳۹۱، سلطانی، منصور و فرزین، در مقالهٔ "تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری" با نگاهی بنیادی و ریشه‌ای‌تر، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، به تبیین مفهوم الگو، مقایسهٔ آن با مفاهیم مرتبط در حوزهٔ معماری و مشخص نمودن وجوه تشابه و تمایز آن‌ها نسبت به هم پرداخته‌اند و در نتیجهٔ پژوهش خود، تنها الگو را واجد این قابلیت دانسته‌اند که می‌تواند با پرهیز از تقلید یا تکرار کار گذشتگان، تجربیات آنان را در قالب آثار متنوع معماری نمایان سازد. دیگر مفاهیم از این دست یا به بازتولید محصولات گذشته پرداخته‌اند یا اصولاً قابلیت تولید فضا را ندارند.

با نگاهی جزءنگرانه و ملهم از نظریهٔ زبان الگوی الکساندر، نجارنژاد، افضلیان و سیدالحسینی (۱۴۰۰) در مقالهٔ خود با عنوان "درک سرشت الگوهای ماندگار معماری ایران (با انطباق مفهوم ماندگاری از دیدگاه کریستوفر الکساندر بر الگوهای معماری)" که با هدف بررسی کارکرد الگوها و مفاهیم مرتبط با آن‌ها و اصول ماندگاری در حوزهٔ اندیشه و عمل انجام گرفت، با به‌کارگیری روش پیمایشی - همبستگی بدین نتیجه دست یافتند که از میان نیازهای انسان، بین حس تعلق و نظام فکری، هویت و کهن‌الگوهای فردی، انعطاف‌پذیری و کهن‌الگوی جمعی، احساس شخصیت و اسکیمای آرامش و نظام فکری، حس قلمرو با اصول پایدار، امنیت و ایمنی با نماد، همبستگی مستقیم و معنادار وجود دارد. در مقالهٔ نگارش شده با عنوان "انطباق زبان الگو با معماری بومی روستایی ایران در راستای پایداری محیط (مطالعهٔ موردی: دهستان لفور)" توسط کیوان‌نژاد، تاج و صالحی که در سال ۱۳۹۸ به‌منظور کشف ارتباطی بین معماری و سازوکار زبان الگو در جغرافیای روستایی و با روش ترکیبی به اجرا درآمد، به تدوین یک زبان الگوی تعمیم‌پذیر برای معماری منجر شد تا بتواند

است که مکانیزم مذکور، به‌طور ذاتی، در دل تمام ادیان الهی (خاص سنت اسلامی) نهفته و زمینه‌ساز پویایی و تداوم آن‌ها در طول حیات تاریخی تمدن‌های سنتی است.

از منظر خاص مطالعات حوزهٔ هنر، نصر در کتاب "نیاز به علم مقدس" (۱۳۹۳)، منبع تطبیق و الهام الگوهای سازندهٔ آثار هنر سنتی را نظام هستی‌شناسی سنتی و نظم حاکم بر طبیعت مخلوقات در عالم مادی می‌داند. تیتوس بورکهارت در دو کتاب خود با عنوان "هنر اسلامی، زبان و بیان" (۱۳۶۵) و "هنر مقدس" (۱۳۶۹)، به سلسله‌مراتبی بودن نظام الگوهای سنتی (از بی‌زمان و بی‌مکان و مشترک تا مقید در زمان و مکان و متکثر) قائل است. در میان صاحب‌نظران این حوزه، برایان کیبل، بیشترین تمرکز را در کنکاش ماهیت الگو و چهارچوب شکل‌دهندهٔ آن صرف نمود. او در مقاله‌ای به نام "سنت، تفکر، هنرمند" در سال ۱۹۷۷، الگوهای هنر سنتی را به‌عنوان دستور زبانی مشترک میان هنرمندان در یک تمدن سنتی قلمداد کرده که در پیوند میان تخیل و تعقل ایشان با علم الهی در جایگاه صنعت، نقش مهمی را ایفا کرده است. به‌علاوه، او ساختار متشکلهٔ الگوهای هنری را بر سه رکن انسانی (سازندهٔ مفاهیم باطنی)، فعلی (شیوهٔ تحقق) و عینی (بیان صوری) استوار دانسته است. از منظر اختصاصی یا مطالعات حوزهٔ معماری نیز صاحب‌نظرانی چون نصر در آثار خود، از جمله کتاب "هنر و معنویت اسلامی" (۱۳۷۵) و مقالاتی چون "معماری اسلامی و هویت ایرانی" (۱۳۸۵) و "یگانگی عمل و نظر معماری در سخن متفکران معاصر" (۱۳۷۴) و نادر اردلان در نوشتار خود در مقالهٔ "معماری ایرانی در نظر صاحب‌نظران" (۱۳۷۴) به بیان شاخصه‌ها و اصول کلی معماری سنتی ایرانی، بدون توجه به الگوهای حاکم بر آن، پرداخته‌اند.

نگارندگان در این بخش با وجود فقدان پژوهش‌های انجام‌شده در باب مطالعات تطبیقی در زمینهٔ مذکور، به بررسی اجمالی دستاوردهای علمی پژوهشگران در نزدیکی با مبانی نظری سنت‌گرایان یا زبان الگوی الکساندر، در تشابه با شیوهٔ مطالعات تطبیقی و با هدف شناخت ماهیت، ساختار و سازوکار الگوی روشن تحقق ذهنیات می‌پردازند. از جنبهٔ کل‌نگرانه، اشرافی در پژوهش خود با نام "گونه‌شناسی یا مرکزشناسی (رویکردی نو در خوانش آثار معماری مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی)" در سال ۱۳۹۹، هدف خود را مقایسهٔ تطبیقی میان دو مدل خوانشی مرکزشناسی (ساحت فلسفهٔ اسلامی) و گونه‌شناسی (ساحت فلسفهٔ مدرن) قرار داده و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، به تولید مدلی در رفع مشکلات ناشی از بی‌معیاری یا تناقض معیارها در مراتب گوناگون شناختی نسبت به یکدیگر،

فضاهای منعطف و پاسخگو به نیازهای روستاییان ایجاد کرد، به‌طوری‌که معماری حاصل در عین پذیرش عملکردهای مطابق با نیازهای امروزی بشر، مکانی منطبق بر سیستم ارزشی پایدار و مداوم فرهنگ روستایی باشد.

"دستیابی به زبان‌الگوی ایرانی - اسلامی طراحی محیط و منظر" عنوان پژوهشی است که به قلم خاک‌زند و حسینی کیا (۱۳۹۳) با روش تفسیری - تاریخی نگارش شده و در آن تلاش شده تا با کنکاشی تطبیق‌گونه به نظریه مذکور، دستیابی به ساختار زبان‌الگوی ایرانی - اسلامی طراحی محیط و منظر در شهر ایرانی - اسلامی را میسر سازد. ساختاری که به ادعای نگارندگان آن، به‌گونه‌ای است که می‌تواند پاسخگوی بی‌نهایت ترکیب معنادر از کنار هم قرار گرفتن الگوهای ایرانی و اسلامی باشد. در سال ۱۳۹۱، مقاله‌ای به قلم شریف و محمدعلی نژاد با عنوان "زبان‌الگو و روان‌شناسی شناختی" چاپ شد که در آن به‌دنبال چهارچوب منسجم علمی بخشیدن به نظریه زبان‌الگو از طریق مطابقت و ترکیب آن با نظریات روان‌شناسی شناختی با روش تحلیل محتوا بوده و معتقدند که میان دو دسته الگوهای رویدادی و عینی متشکله زبان‌الگوی الکساندر و طرح‌واره‌های ساختاری و محتوایی الگوواره ادراکی - ذهنی روان‌شناسان قرابت ماهوی زیادی برقرار است. در گام نهایی، ضمن قرار دادن جایگاه الگوها در طیفی از شخصی تا عمومی و ضمن تأکید بر خاستگاه شخصی و منحصر به فرد شکل‌گیری زبان‌الگوها، همه آن‌ها در سیر تکوین غایی خود در جامعه، کم‌کم به سوی زبان مشترک، عمومی و تکرارپذیر سوق داده می‌شوند که نمایانگر تصویری زنده از فرهنگ و نوع زندگی در زمان و مکان است.

از سویی دیگر و به‌منظور روشن‌سازی و ساختارمند کردن دیدگاه توصیفی مکتب سنت‌گرایان معنوی در طبقه‌بندی و تفسیر آثار معماری ایرانی، سیدی ساروی، پورمند و ابوتی (۱۳۹۷) در مقاله خود با نام "تبیین الگوی سبک‌شناسی معماری اسلامی با نگاه به آرای سنت‌گرایان" و با روش تحلیل محتوا، به تدوین نظام سبکی با توجه به دو متغیر تاریخ و جغرافیا همت گمارده و در تشریح سازوکار دستگاه الگویی خود اشاره کرده‌اند که ویژگی‌های مشترک سبک‌های تاریخی و جغرافیایی آثار، بیانگر ویژگی سبکی معماری اسلامی و تفاوت‌های سبک‌های مختلف تاریخی و جغرافیایی شکل‌دهنده سبک‌شناسی معماری اسلامی است.

با مشاهده پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده حول تنظیم نظام‌الگویی حاکم بر شناخت و خلق آثار معماری در بستر معنوی، فرهنگی و سنتی ایران در دو بخش بالا، می‌توان به نکات مهمی اشاره کرد. صاحب‌نظران مکتب سنت‌گرایان

معنوی که مبانی نظری تحقیق بر نظریات ایشان استوار است، در مکتوبات مرتبط با حوزه‌های غیرهنری، علی‌رغم بیان اشاره‌ای و گزیده‌وار به جایگاه وجودی خوانش الگویی در درون هر سنت دینی، به کلی‌گویی اکتفا کرده و به چگونگی تحقق و بسط معارف باطنی خود در مظاهر یک تمدن اشاره‌ای نکرده‌اند. در حوزه‌های شناخت چهارچوب هنر و معماری سنتی، با وجود تلاش‌های انجام‌شده، به مؤلفه‌های سازنده سه رکن متشکله الگوی هنر و معماری سنتی و سازوکار آن در تبدیل ایده و آرمان‌های ذهنی هنرمند به اثر هنری در زمان و مکان مشخص نپرداخته‌اند.

از نظر مضمون، تحقیقات انجام‌شده توسط پژوهشگران غیرسنت‌گرا، یا حول شناخت ماهوی و تدوین نظام‌الگوی معماری ایرانی، به‌صورتی مستقل یا با بازخوانی و ترجمان هرکدام از دو نظام‌الگویی سنت‌گرایی و کریم‌ستوفر الکساندر همراه است. به‌علاوه، در این زمینه، با رویکرد مطالعات تطبیقی پژوهشی انجام نشده است. در نتیجه، خلأ پژوهشی غیرقابل‌انکاری در تنظیم ساختار واضح و روشن تر نظام‌الگویی سنت‌گرایان معنوی در حوزه معماری به‌واسطه مواجهه تطبیقی آن با نظریه الکساندر و تلفیق محتوای درونی آن با ویژگی‌های فرایندمحور زبان‌الگو قابل‌رصد است. این پژوهش در تلاش است تا در پوشش مسئله شرح‌داده‌شده گامی هرچند ناچیز بردارد.

### روش و رویکرد پژوهش

این پژوهش در تلاش است تا از روش مطالعات تطبیقی برای پاسخ به مسئله موردنظر خود بهره بگیرد، چراکه از دلایل گرایش پژوهشگران به روش تطبیقی<sup>۱</sup>، سهولت دسترسی به حجم گسترده و طبقه‌بندی‌شده از بانک‌های اطلاعاتی قابل‌تطبیق و شناخت محورهای موفق و روبه‌رشد در ابعاد تطبیق برای جبران عقب‌ماندگی (اصلاحات لازم) است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۷۱). رویکرد کلی تطبیق در نظر گرفته‌شده توسط پژوهشگر، رویکرد تحلیل تطبیقی کیفی است و بدان جهت واجد اهمیت است که «به‌دنبال مقایسه تفضیلی دو مکتب یا دیدگاه براساس موضوعات محوری و سپس پرداختن به برتری یک دیدگاه براساس شاخص‌های مستدل یا عدم برتری دیدگاهی و برشمردن قابلیت‌ها و ارزش‌های هر دیدگاه از زاویه خاص است» (همان: ۳۸۵).

نوع و سطح تطبیق مدنظر این پژوهش، "تطبیق موردی‌محور" است که از ماهیت کیفی تحلیلی برخوردار بوده و «به فهم رخداد (موضوع) مشخص در تعداد اندکی از مؤلفه‌ها می‌پردازد» (همان: ۳۷۳). درنهایت، پژوهشگر به‌منظور تحقق اهداف موردنظر خود و اجرای موضوع تحقیق،



[یا مثبت] در تحکیم نتایج و دشواری تعیین رابطه علی عوامل بالقوه بروز مشکل (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۷۶-۳۷۴) دانست. افزون‌براین، الگوی جبر بولی نیز در پژوهش‌های تطبیقی، بر بنیان‌های کمی و عینی (همان: ۳۷۶) استوار بوده و متعلق به پژوهش‌های با جامعه آماری (پدیده‌های کم و مؤلفه‌های قیاسی زیاد است. از منظر ایجابی می‌توان الگوی بردی را از «الگوهای رایج مطالعات تطبیقی کیفی قلمداد نمود که به بررسی اعمال، اقدامات و نظرات در حوزه مورد بررسی و در محدوده

از چهار الگوی تحلیل متداول در مطالعات تطبیقی، الگوی جرج پردی<sup>۱</sup> را انتخاب نمود. دلایل انتخاب این شیوه، از منظر سلبی را می‌توان محدودیت‌های الگوی تشابه و تفاوت جان استوارت میل، چون معطوف بودن به رویکردهای جبری، ثابت و متعین در مطالعات تطبیقی فرهنگی (قنواتی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۹)، کاربردی بودن در زمینه علوم آزمایشگاهی و عدم مناسبت جهت مطالعه پدیده‌های اجتماعی به دلیل دستیابی به نتایج مبهم و بی‌معنا در این حوزه (طالبان، ۱۳۸۴: ۱۳۰)، سازوکار حذفی آن در استفاده از موارد منفی



تعیین شده متمرکز می‌شود تا با شناخت دقیق، به اصل کلی در زمینه موردی خاص برسد» (همان: ۳۸۲). از ویژگی‌های تأثیرگذار در انتخاب شیوه مذکور، از روش تحقیق تطبیقی در روند انجام این پژوهش را می‌توان به قابلیت آن در انجام مطالعه موضوعات موردی با مؤلفه‌های کمتر، خوانایی و فهم بیشتر روند انجام پژوهش، ساختار نیمه‌بسته و پویای حاکم بر آن، متناسب با واحد معنایی و دامنه انجام مطالعه تطبیقی و درنهایت، توانایی ارائه الگوهای برگرفته از قیاس دو موضوع (پدیده) در پژوهش به‌کاربرنده این شیوه نسبت به دو شیوه الگویی دیگر (الگوی تک‌ساحتی و غیرجامع جان استوارت میل و الگوی کمی‌محور جونز) اشاره نمود.

شیوه تحقیق تطبیقی الگوی بردی مشتمل بر چهار مرحله "توصیف" (شناخت تمامیت یک پدیده یا مسئله از طریق جمع‌آوری اطلاعات و حقایق ساده، واضح و واقعی از منابع مختلف)، "تفسیر" (بررسی و تحلیل اطلاعات توصیفی از پدیده از منظر نظری و شخصی پژوهشگر)، "هم‌جواری" (ایجاد چهارچوب یا ماتریس به‌واسطه تعیین مؤلفه‌ها یا رمزها و رمزگذاری، طبقه‌بندی و کنار هم قرار دادن داده‌ها براساس آن‌ها) و "مقایسه" (یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های دو جامعه آماری براساس مؤلفه‌های تعیین شده با تکیه بر مکتب نظری خاص) است (همان: ۳۸۳-۳۸۲). تحقق عملیاتی چهار گام مذکور در تحقیق پیش‌رو قابل تشریح است. در گام اول، با شیوه توصیفی، تفسیری و مطابق ترسیم روند حرکت از عام به خاص و کلی به جزئی، به تبیین الگو در چهارچوب بخش‌های گوناگونی چون تعاریف لغوی (تعریف واژگانی الگو در زبان‌های گوناگون)، مفهومی (ماهیت نظام‌الگوهای سنتی) و عملیاتی (شناخت درون‌مایه‌های تأثیرگذار بر آن در دو نحله موردنظر این تحقیق) اقدام گردید. در این راه، با استفاده از شیوه هم‌جواری، از طریق ترسیم جداول متعدد در دسته‌بندی، به طبقه‌بندی و انتظام اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع اسنادی و تحلیل‌های مستقر بر آن‌ها پرداخته شد. این پژوهش در گام دوم خود، با شیوه‌ای قیاسی، به یافتن و بیان نقاط تشابه و تمایز دو مکتب نظری براساس مؤلفه‌های تنظیم‌شده قبلی اقدام نمود. در انتها، با به‌کارگیری شیوه تحلیل کیفی مطالعات تطبیقی (مرتبط با تحلیل دیدگاه نظری دو مکتب فکری مختلف)، ضمن مواجهه آرای این دو نحله فکری درباب ساختار الگوهای معماری، امکان بهره‌گیری از وجوه قابل‌انطباق نظریه الگوی الکساندر را در بازنویسی نظام‌الگویی کارآمدتر و با وضوح بیشتر سنت‌گرایان معنوی در حوزه معماری میسر ساخت.

در این گام، به‌منظور تشریح چگونگی انجام فرایند تطبیق منحصربه‌فرد این پژوهش، نگارندگان تلاش کردند تا با رسم مدل مفهومی، موضوع تحقیق و فرایند رسیدن به پاسخ در بخش نتیجه‌گیری را به تصویر درآورند. در این راستا، مطابق تصویر ۱، سه بُعد اساسی حاکم بر انجام مطالعات تطبیقی (مسئله، واحد و معیار تطبیق) را روشن ساختند و در تصویر ۲، به چگونگی انجام تطبیق خاص موضوع این پژوهش در قالب سه مرحله (ساختارمندی، اعمال و ترجمان) اشاره شد. در گام نهمی، با استفاده از این چهارچوب سه‌گانه، پژوهشگران در تلاش‌اند تا با حفظ ساختار معنایی (درونی) مبانی نظری مکتب سنت‌گرایی (استخراج اصول کلی مشترک حاکم بر الگو و معماری سنتی از بخش ادبیات پژوهش در نیمه راست جدول تحت عمل ساختارمندی) و برگرفتن ویژگی‌های بیانی فرایندنگر و عینیت‌بخش سازنده زبان‌الگوی الکساندر از همان بخش (در نیمه دوم جدول و اعمال اصول سنتی مشترک بر آن‌ها پیرامون موضوعات مذکور)، به روشن‌سازی و وضوح بیشتر نظام کلی الگویی معماری از منظر سنت‌گرایان (پایین تصویر مربوطه تحت عمل ترجمان) دست بزنند.

### ادبیات پژوهش

پژوهشگران در تلاش‌اند تا با ارائه نظام‌مند موضوع مورد مطالعه در سیر تکوین از کل به جزء و از عام به خاص خود، ضمن فراهم نمودن شرایطی بهتر در ساخته شدن چهارچوب ذهنی طبقه‌بندی اطلاعات براساس معیارهای موردنظر در هر بخش، به روشن‌سازی روند حرکت پژوهش از بیان مسئله تا رسیدن به پاسخ درخور یاری رسانند. از این‌رو، گام‌های طی شده در حوزه ادبیات پژوهش به این شرح است:

### الگو از منظر مکاتب منتخب تحقیق تطبیقی

#### مبانی فکری و روشی مکتب سنت‌گرایان معنوی

در این بخش، پیش از پرداختن تفصیلی به انگارهای الگومدارانه سنت‌گرایان نسبت به هنر و معماری، تلاش شد تا به‌صورتی گزیده، به بیان ساختار سنت، سازوکار تحقق اصول باطنی آن و بن‌مایه کلی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی حاکم بر این نحله فکری اشاره شود. انجام این کار در گام بعدی، مخاطب نوشتار را با آگاهی بیشتر و فهم عمیق‌تری به مواجهه با نظام خوانش و تحقق عینی اصول و ارزش‌های سنتی ایشان رهنمون می‌سازد.

نظام فکری	خلاصه دیدگاه
هستی‌شناسی	عالم‌شناسی مطلق بودن حقیقت و اعتباری بودن ماهیات، ذومراتبی بودن عالم، صورت الهی بودن خلق انسان و جایگاه توأمان خلیفه‌اللهی و عبداللهی بودن او و ماهیت سرشت معنوی و رمزگویی عالم (نصر، ۱۳۸۳: ۵۷-۵۶)
	وجود‌شناسی وجود مطلق الهی و اعتباری بودن وجود موجودات، خودتعیینی وجود در قالب موجود (ذهنی و عینی) (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۵۳)؛ تشکیکی بودن ساحات وجود در جهان‌شناسی سنتی اسلامی (از عالم امر یا مبدأ اعلی تا عوالم عقول، نفوس و مادی) (نصر، ۱۳۷۵: ۶۸)
معرفت‌شناسی	ماهیت منشأ روحانی معرفت در علم سنتی (تجلی بارقه عقل الهی بر دل و جان انسان آگاه)، تساوی ذاتی معرفت با معنویت و قداست (نصر، ۱۳۸۰: ۱۴۱)؛ حکمت به‌عنوان والاترین علم سنتی (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۵۵)
	ارکان تجمیع عقلانیت، علم قدسی، حکمت ذوقی، الهیات عقلی در قالب دانش مقدس <sup>۲</sup> (دین‌پرست، ۱۳۸۵: ۶۴)
	منبع مرکز و کنه قوه عاقله مندرج در ذات بشر به‌عنوان تجلی عقل الهی (نصر، ۱۳۸۰: ۲۷۲؛ دین‌پرست، ۱۳۸۵: ۶۷)
	عامل شهود و وحی الهی (نصر، ۱۳۹۳: ۲۷۳)
روش	مراتب سیر طولی از حس، خیال، عقل تا وحی (از ظاهر به باطن) (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۵۴)
	پیوند سه طریق کار خیر (گفتار نیک)، محبت (کردار نیک) و معرفت (پندار نیک) در زندگی معنوی (کاتسینگر، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۷)
ماهیت سنت	مفهومی اتصال‌دهنده به مبدأ کلی به‌عنوان نقطه وصل آغاز و انجام (اصلان، ۱۳۸۵: ۹۹-۹۸)
	عملیاتی انتقال اصول و احکام الهی از راه رسولان، پیامبران، اوتارها، لوگوس یا دیگر عوامل به انبای بشر و به‌کارگیری آن‌ها در حوزه‌های مختلف اجتماعی، حقوقی، هنر و علوم در جامعه سنتی (نصر، ۱۳۸۰: ۵۵۸)
اصول سنت	سیر دوری چهار بُعد اصلی زندگی معنوی از باطن به ظاهر و به‌عکس: حقیقت (بعد نظری یا تعلیمی غایت طریق معنوی)، فضیلت (انطباق انسان با خدا)، زیبایی (انجام امور به بهترین صورت) و نیایش (تذکر و سلوک به حقیقت) (کاتسینگر، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۲)
تحقق	مراتب سه‌گانه «معنای متعالی» (باطن سنت)، «اصل امکان» (تجلی) و «مجرای انتقال» (شیوه تحقق) (Keeble, 1977: 1)

(نگارندگان)

## الگو از منظر سنت‌گرایان معنوی

در این بخش، نگارندگان تلاش دارند تا به‌صورت جامع و در قالب جدول ۲، به ارائه دیدگاه صاحب‌نظران مکتب سنت‌گرایی معنوی، به‌ویژه سید حسین نصر که در شمار آثار مکتوب، از فراوانی بیشتری برخوردار است، حول نظام‌الگو بپردازند. صاحب‌نظران حوزه معماری سنتی ایرانی، تعریف مفهومی معماری را ناظر بر سه حوزه انسان‌معمار، فعل و تحقق اثر می‌دانند. «معماری نوعی انتساب به معمار است که دو حوزه کلی معنایی دارد: یکی آنچه به شخص معمار و نفس او برمی‌گردد و دیگری پیشه او... اولاً، موصوف بودن به خلق معمار و ثانیاً، موصوف بودن به پیشه معمار و ثالثاً، صفت هر چیزی (اثر) که به معمار منسوب باشد (قیومی بیدهندی، ۱۳۹۰: ۱۳۴). با عنایت به این امر، دیدگاه‌های منتخب مکتب مذکور در مبانی هنر و معماری و حوزه فراتر از آن (وجوه باطنی و ظاهری حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی انسان و تمدن سنتی) درباب الگو در سه محور ماهیت، ساختار و کارکرد، دسته‌بندی و توصیف شد.

## زبان‌الگو و سیر تکوین نظری آن توسط کریستوفر

### الکساندر

ریشه تکوین نظریه زبان‌الگو، به اصطلاح پارادایم در کتاب "ساختار انقلاب‌های علمی" کوهن بازمی‌گردد. ماهیت آن به‌عنوان مدل ذهنی و «الگوی تفکر در هر دیسپلین علمی یا جهان‌بینی حاکم بر کلیه ساختارهای فلسفی علوم نظری و عملی و واجد ماهیتی سلسله‌مراتبی در خوانش خود: پارادایم (راهبرد)، سنت (آیین)، الگو (مهارت) و دستاورد (تولیدات فرهنگی) است» (شهبازی چگنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۸-۱۱۷) عبارت "زبان‌الگو" را نخستین بار کریستوفر الکساندر، معمار و ریاضی‌دان اتریشی، در معماری مطرح کرد. «نظریه زبان‌الگو، با عنوان جادوی معماری، نتیجه حرکتی بود که از دهه ۱۹۷۰ برای مقابله با پیچیدگی آغاز شد و پس از گذشت دو دهه، ابزاری توانمند در کنترل پیچیدگی معرفی شد و با کمک آن، گامی مؤثر در شناخت و کشف الگوها و زبان‌الگویی مشترک و زنده محیط‌های مصنوع برداشته شده است» (شریف و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳). علاوه بر او در

جدول ۲. دیدگاه سنت‌گرایان در باب نظام‌الگو در سطوح و حوزه‌های مختلف با رجوع به آثار مکتوب

نظریه پرداز / کتاب	مبانی الگو	محور بیانی ساختار الگو
سید حسین نصر، "اسلام سنتی"	ذات سنت: تساوق ذاتی "السنه" با "الگوهای مقدس" در تحقق از مبدأ الهی به عالم ظاهر به عنوان خاستگاه سازنده مراتب سنت (نصر، ۱۳۷۰: ۱۵۸)	ماهیت الگو - خصلت انسانی
سید حسین نصر، "معرفت و امر قدسی"	معرفت‌شناسی سنتی: ماهیت بیانی، انتقال‌دهنده و واسطه زبان الگوهای انتقال و کسب معارف قدسی یا «نمادگرایی» <sup>۲</sup> (نصر، ۱۳۸۰: ۱۳۰)	
سید حسین نصر، "نیاز به علم مقدس"	سنت دینی: الگوی دوگانه تجلی (نزول) در بازتاب وحدت مطلق در قالب علم مقدس و کمال (صعود) در ارائه معیارهای کمال در ارتباط با روح الهی (نصر، ۱۳۹۳: ۹۸-۹۷)	
سید حسین نصر، "آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام"	شریعت سنتی اسلامی: واجد ماهیت الگویی <sup>۴</sup> آرمانی در انتقال تعالیم الهی و طی طریق حیات دنیوی و سعادت اخروی در زندگی انسان (نصر، ۱۳۹۲: ۱۲۷)، الگوی کلی مطابق با معیار واحد الهی و در عین حال، متکثر متناسب با نیازهای فردی (همان: ۱۳۵-۱۳۴)	
سید حسین نصر، "برایان کیبل، Tradition, Thought, Artist"	اسوه سنتی (معنوی): الگوگیری از وجوه نظری و عملی زندگی پیامبر (ص) (همان: ۱۰۹)	
سید حسین نصر، "نیاز به علم مقدس"	معرفت‌شناسی سنتی: الگوی اتصال عقل فردی <sup>۵</sup> به خرد الهی <sup>۶</sup> در دستیابی به درکی مشترک، والا، واحد، جهان‌شمول و بدون اختلاف و تکثر (Keeble, 1977: 3)	
فریتویف شوان، "اصول و معیار هنر"	علوم سنتی: کشف الگوهای ساختاری در تبعیت و انطباق با نظم کیهانی و مثالی حاکم بر عالم خلق به منظور خلق صورت‌های دست‌ساخت انسانی (نصر، ۱۳۹۳: ۱۷۰)	
تیتوس بورکهارت، "هنر مقدس (اصول و روش‌ها)"	هنر سنتی: وجه نمادین و تعلیمی الگوهای حاکم بر روح و کالبد هنر سنتی در انتقال و القای حقایق معنوی از شهود هنرمند به مخاطب (شوان، ۱۳۹۰: ۱۱۰)	ساختار الگو نظام سلسله‌مراتبی
تیتوس بورکهارت، "هنر اسلامی، زبان و بیان"	حرف، صنایع و هنر سنتی: سنت به مثابه پیونددهنده مراتب الگو (از الگوهای مقدس به الگوهای زمانمند و مکانمند) در تعیین صورت‌های اصیل انسان‌ساخت‌های سنتی و انتقال‌دهنده روح از باطن به ظاهر و بسط آن در تمدن سنتی (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۸)	
تیتوس بورکهارت، "برایان کیبل، Tradition, Thought, Artist"	هنر و معماری سنتی: تهذیب نفس و شهود باطنی نظام سلسله‌مراتبی الگوهای سنتی <sup>۷</sup> (الگوهای ثابت تا الگوی مبنا یا فرمول) در مراتب فعلی (تخیل، تجسم و سرمشق) تحقق صورت‌های متکثر از حقیقت توسط هنرمند سنتی (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۲۸-۱۲۷)	ساختار الگو خصلت فعلی
سید حسین نصر، "Transformation of The Islamic Environment"	هنر سنتی: ساختار سه‌گانه باطنی (کیفیت خودسازی مفاهیم بیانی)، رویه‌ای (شیوه تحقق) و بیانی (وجوه دوگانه ثابت یا فرازمان و پویا یا منحصربه‌فرد زمانی سبک) مندرج در ذات الگوهای هنر سنتی در تحقق نمادین حقایق (Keeble, 1977: 3)	
عثمان باکار، "Traditional Olgues of Architecture"	افعال انسان سنتی (هنر): نگاه درونی، تأویلی و شهودی انسان به آیات قرآن و استخراج فرمول <sup>۸</sup> پایه از آن به منظور سرمشقی در شکل‌گیری سمبل‌ها و تجسد فرم‌ها و غالب سمبل‌ها (Nasr, 1978: 2)	
سید حسین نصر، "معماری اسلامی و هویت ایرانی"	هنر و معماری سنتی: تشبیه فکری و فعلی هنرمند و معمار سنتی به تفکر الهی و فعل خلق او و انطباق با نظام و ساختار کیهان و عالم طبیعت در قالب الگوی تفکر <sup>۹</sup> ، ساختار مثالی الگوهای تخیل و تقلیدشده از آن (رضازاده خادم، ۱۳۹۹: ۲۲۸)	
سید حسین نصر، "معماری سنتی: الگوپرداری از سرشت باطنی، خصلت‌ها و ساختار صورت‌های طبیعت در آفریدن فضاهای قدسی (نصر، ۱۳۸۵: ۳۱)		



ادامه جدول ۲. دیدگاه سنت‌گرایان در باب نظام‌الگو در سطوح و حوزه‌های مختلف با رجوع به آثار مکتوب

نظریه پرداز / کتاب	مبانی الگو	محور بیانی ساختار الگو
سید حسین نصر، "هنر و معنویت اسلامی"	<b>معماری سنتی اسلامی:</b> بازده اصل کلی حاکم بر معماری اسلامی (وحدت و یکپارچگی، بیان متانت، آرامش و سخاوت و غنای باطنی، تقدس فضایی، حضور خلأ (تهی)، رمزگرایی، امتداد معماری مسجد در تمام الگوها و فرم‌های شهری، رابطه میان معماری و هستی، ریاضیات و معماری اسلامی، نور و رنگ در معماری، واقع‌گرایی) (نصر، ۱۳۷۵: ۶۱-۴۲)	الگو - خصلت کالبدی (معماری) سازوکار الگو
سید حسین نصر، "یگانگی عمل و نظر معماری"	<b>معماری سنتی ایرانی:</b> هشت اصل معماری ایرانی (سیطره معنویت، اتحاد زیبایی و سودمندی، یکپارچگی، هماهنگی با محیط، شناخت مصالح، خلق بر پایه کیهان‌شناسی مقدس، تحول‌پذیری در عین وفاداری به حقیقتی ازلی در تمام اعصار) (نصر، ۱۳۷۴: ۴۹)	
نادر اردلان، "معماری ایرانی در سخن صاحب‌نظران"	<b>معماری سنتی ایرانی:</b> مجموعه هفت اصل طراحی (بینش نمادین، الگوی مثالی باغ بهشت، نظام‌های فضایی مثبت، مکمل بودن نقش کیمیای رنگ و ماده و خط با معماری، انطباق محیطی، مقیاس انسانی و مشارکت اجتماعی، نوآوری در ترکیب) (اردلان، ۱۳۷۴)	

(نگارندگان)

جدول ۳. نظریه زبان‌الگوی الکساندر و سیر تطور نظری شکل‌گیری، تکامل و تحقق آن با رجوع به آثار مکتوب

عنوان کتاب (۱۹۶۴ تا ۲۰۰۴)	مبانی الگو	سیر تکوین
"یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم"	فرم‌گرایی، ارتباط فرم و زمینه، تکیه بر "دیگرام" (یا الگو) به‌عنوان کلید فرایند خلق فرم، تأکید بر روش‌شناسی (متدولوژی) طراحی به‌جای مسئله و راه‌حل نهایی (محصول)، ارائه خلاقانه و بدیع گونه‌های کالبدی در پاسخ به وجوه سه‌گانه عملکرد، آرایش و سازماندهی (مهاجری و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۷)	پیش‌الگو (با رویکرد خردگرا، نگاهی کلی و منطقی استدلالی)
"شهر یک درخت نیست"	تماز قائل شدن میان دو نوع نظام طراحی شهری ساختار درختی و نظم طبیعی شهرهای سنتی بومی یا ساختار نیمه‌شبکه‌ای و توجه به التقاط و انعطاف به‌جای تفکیک و منطقه‌بندی کاربری‌ها (همان: ۴۸)	
"نظریه جدید طراحی شهریر"	واجد کیفیت زنده (پویا)، خودتحوّل‌پذیری و رشد حاکم بر ساختار بافت شهرهای بومی از مقیاس کل تا جزئیات متشکله خود به‌واسطه نقش طراح در تبعیت از سرشت ذاتی طبیعت و استخراج قوانین اساسی ساخت فضاهای شهری: رشد تدریجی و ذره‌ذره، رشد کل‌های بزرگ‌تر، ژرف‌نگری و دید، قاعده فضاهای شهری مثبت، آرایش ساختمان‌های بزرگ، ساختمان و شکل‌گیری مراکز (همان: ۵۰)	زبان‌الگو (با رویکرد کل‌نگر)
"زبان‌الگو"	ویژگی‌های ماهوی "الگو": حقایق ثابت و تغییرناپذیر، جامعیت داشتن، ازلی و واجد جوهری انسانی و فطری، معنابخشی و اعطای کیفیت زندگی به محیط، تکثیربخشی نامتناهی صورت‌ها در عین حفظ ساختار کلی (Alexander, 2004: 43)؛ تکرارپذیری و قابلیت تعمیم، کنترل و درک نظام‌مند پدیده‌های پیچیده، نظام یکپارچه سلسله‌مراتبی از الگوهای مرتبط به هم (مهاجری و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۰)؛ قابلیت تکرار الگوهای موجود در کنار اصلاح و تکامل دائمی آن‌ها (شریف و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷-۳۵)	
"معماری و راز جاودانگی (راه بی‌زمان ساختن)"	تعیین جایگاه ذاتی "زبان‌الگو" به‌عنوان مبنای شکل‌گیری ساختار مصنوعات انسان (الکساندر، ۱۳۸۶: ۱۸۰) و متشکل از شبکه‌ای معنادار و سلسله‌مراتبی از زیرالگوهای ترکیب‌شده و وابسته به هم در ساحت‌های گوناگون مطابق قاعده‌ای مشخص (همان: ۱۶۱ و ۲۷۲-۲۶۹). تعریف ماهیت کارکردی زبان‌الگو به‌عنوان چهارچوب واحد، درونی، پایدار در عین تحول دائمی، اجتماعی و مشترک فرایند انتظام‌بخشی و طراحی در تمدن انسانی در پدید آوردن شهرها و بناهای زنده، پویا و جاودان، تشریح اجزای متشکله الگو؛ رویدادهای شناختی و شکل‌دهنده موقعیت‌های انسانی به ارتباط درهم‌تنیده الگوهای ذهنی و الگوهای عینی نسبت به هم (همان: ۱۵۸). تأکید بر تکرارپذیری، عمومیت و حداکثر میزان وسعت دامنه اشتراکی در اعتبار بیشتر زبان‌الگو به نسبت الگوهای شخصی و منحصر به فرد و سوق دادن جامعه به تولید زبان‌الگوی مشترک (همان: ۲۹۲-۲۲۵). بیان غایت زبان‌الگوهای معماری در پیوند ذاتی میان جوهر بناهای دارای کیفیت زنده با سرشت طبیعت و احساسات انسانی (مهاجری و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۲)	

ادامه جدول ۳. نظریهٔ زبان‌الگوی الکساندر و سیر تطور نظری شکل‌گیری، تکامل و تحقق آن با رجوع به آثار مکتوب

عنوان کتاب (۱۹۶۴ تا ۲۰۰۴)	مبانی الگو	سیر تکوین
"تجربهٔ اوریگان"	منشأ ارگانیک نظم درونی زبان‌الگوی سازماندهی معماری زنده و پایدار (همان: ۵۳)	(با رویکرد کل‌نگر و طبیعت‌گرا) تحقق زبان‌الگو
"سرشت نظم (جلد اول: طبیعت حیات)"	استعانت از ادراک ذهنی و حس درونی در الهام از ساختارهای طبیعی در شکل‌گیری وجوه گوناگون شهودی، علمی، زیبایی‌شناسی و حسی مصنوعات بشری، سنجش میزان کیفیت پویای اشیا با شیوه‌های تجربی و عینی و ابزار مشاهده (همان: ۵۳-۵۲)	
"سرشت نظم (جلد دوم: خلق حیات)"	اصول حاکم بر رشد سیستم‌ها بر مبنای نظریهٔ زبان‌الگو: ضرورت بسط و توسعهٔ یک سیستم براساس حفظ کلیت و تسری آن در تمامی پدیده‌های زنده، تدریجی و سلسله‌مراتبی بودن فرایند دائمی زایش (همان)	
"سرشت نظم (جلد سوم: جهان زنده)"	عوامل تقویت‌کنندهٔ کیفیت پویایی بنا و شهر: بی‌مانندی (منحصربه‌فرد بودن)، سادگی و زیبایی فرم و رنگ، پیوند فرایند درونی جوهر درونی مکان با وجود درونی انسان (همان: ۵۴)	
"سرشت نظم (جلد چهارم: روح روشن)"	اصول درهم‌تنیدهٔ پانزده‌گانهٔ ساختار نظام‌های زنده: اصل مرکز نیرومند، اصل مرزها، اصل فضای معین، اصل شکل خوب (نیکو)، اصل تقارن موضعی، اصل سادگی و آرامش درونی، اصل مقیاس‌های مختلف، اصل تکرار متناوب، اصل پژواک (یکپارچگی کل و اجزاء)، اصل انسجام و ابهام عمیق، اصل جدایی‌ناپذیری، اصل تضاد، اصل درجه‌بندی (مرتب‌بندی)، اصل ناهمگونی و اصل فضای خالی (الکساندر، ۱۳۹۰: ۱۸۸-۱۱۲)	

(نگارندگان)

سریان سنت از ساختاری دوری برخوردار بوده که در کمان نزولی خود، امر ازلی، مطلق و پایدار (حقیقت) را در باطن نفوس تهذیب‌یافتهٔ فرد باورمند (فضیلت) انعکاس داده است. انسان صاحب‌فضیلت، افکار و نیت خویش را در بهترین و کامل‌ترین صورت ممکن (زیبایی) به صورت ظاهر می‌رساند. این جریان، در سیر صعودی خویش، امکان مشاهدهٔ تأویل‌گرایانه به آثار و دستاوردهای انسان سنتی (به‌طور خاص، هنر و معماری) را فراهم می‌نماید که در جایگاه یک یادآوری‌کننده، انسان‌ها را به توجه و توسل به منشأ ازلی خویش (نیایش) مشغول نموده و در مقام یک راهنمای معنوی، چراغ راه جویندگان حقیقی معنا در وصول به امر ازلی، پایدار و مطلق (حقیقت) است. بدین ترتیب، این حرکت دوار و تکاملی، جریان دائمی یافته و از ساختار جوهری سه‌گانهٔ مبدأ (حقیقت مطلق)، مقصد (تحقق بالفعل حقیقت) و مسیر یا فرایند (شیوهٔ انتقال و جریان از مبدأ به مقصد یا باطن به ظاهر و به‌عکس) برخوردار است.

با مطالعهٔ نظام سنت از منظر سه‌گانهٔ شناختی هستی، معرفت و روش، می‌توان دریافت که در حوزهٔ هستی‌شناسی، به "وجود" و اطلاقش بر صادرکنندهٔ حقیقی آن (ذات الهی) پرداخته که در مقام تجلی، امکان بالفعل پدیدار شدن را در تمامی مراتب عالم خلق میسر می‌سازد. در این عالم‌شناسی، هر موجودی متشکل از ابعاد مراتبی‌وار در دو ساحت کلی

شاخهٔ معماری و شهرسازی، زبان‌الگو در دیدگاه‌های نظری و مکتوبات علمی صاحب‌نظران دیگری چون ادموند بیکن، کنزو تانگه و آلدوروسی، سالی‌نگاروس و سایمون بل شکل گرفت که «در اعتراض به اندیشه‌های مطرح‌شده توسط گروه سیام، تفکرات و طرح‌های خود را که ریشه در مکتب ساختارگرایی دارد، مطرح نمودند» (مرادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۱).

در جدول ۳، نگارندگان به گردآوری و طبقه‌بندی دیدگاه‌های نظری این صاحب‌نظر در این باب، به تفکیک هر اثر نوشتاری او و در سه برههٔ تأثیرگذار سیر تاریخی شکل‌گیری، تثبیت و تحقق آن، پرداختند.

### بحث

در تحلیل جدول ۱ از این قسمت حول موضوع شناخت "نظام کلی حاکم بر مکتب سنت‌گرایان معنوی" در شکل‌گیری دیدگاه صاحب‌نظران مذکور پیرامون الگوهای هنر و معماری سنتی، می‌توان بیان نمود که "سنت" از منظر ایشان، جوهر و باطن هر شیوه‌ای است. وجود آن در جایگاه مابین قابل‌تعبیر است که در سوی متعالی خود، عامل اتصال امور عینی به ذات الهی (مبدأ کلی) است و در سوی تنزلی یافتهٔ خود، حامل انتقال فیض و رحمت الهی است که به اذن او، در تمامی مراتب و وجوه عرضی زندگی فردی و اجتماعی انسان (از جمله هنر و معماری) بروز یافته است.

از نیمه اول قرن بیستم، در آثار صاحب نظران مکتب تجربه گرایی علمی چون کوهن، در قالب تبیین ساختاری واژه "پارادایم" یافت. این اصطلاح، ساختار بیانی روش شناسانه و دستور زبان گونه مستقل خود را داشت و از ویژگی ساختارمند، سیستمی، دوسویه (رفتی - برگشتی)، یکپارچه، ثابت، علمی و تحلیلی برخوردار بود. او ماهیت این الگو را نظام یکپارچه ذهنی، سلسله مراتبی (الگوواره، سنت، الگو و دستاوردهای عینی) و شیوه مدارانه شناخت، نحوه عمل، تولید، اداره (کنترل) و تحول علم در هر برهه زمانی قلمداد نمود که در جایگاه شناختی خود، تمامی مراتب زندگی انسانی را در بر گرفته و در عین حال، در تناسب با تجارب بیرونی و حسی او، پیوندی مستحکم را میان وجوه فردی و اجتماعی اش برقرار ساخته است. از حیث ساختاری، پارادایم، چهارچوبی بروز یابنده (از باطن به ظاهر) و مجموعه ای شامل بر جهان بینی، بینش ها و نظریه ها (مفاهیم)، قواعد، دستورالعمل ها و توصیه های ارزشی و اخلاقی (مبانی)، ابزار عملیاتی و فرایند اجرا (روش) و دستاوردهای علمی و تجربی (مصدق) است. نکته مهم در این زمینه، تأثیر بسزایی است که این مکتب فلسفی بر نظریه پردازان حوزه معماری و شهرسازی در مطالعه طبیعت بکر و آثار انسان ساخت (بافت یا اثر معماری) به منظور تحلیل علمی ویژگی های کالبدی و استخراج الگوهای جامع، ذومراتب و یکپارچه از آن آثار گذاشت. این امر، به تدوین دستور زبانی قابل تکرار، ساختارمند، فرایندمحور و متنوع در تولید کالبد معماری، برخلاف دیدگاه تک ساختی، استاندارد، واحد و فاقد معنای معماری مدرن، می انجامد.

در انتهای این بخش در جدول ۴، نویسندگان مقاله به مقایسه نظام الگوی سنت گرایان معنوی و زبان الگوی کریستوفر الکساندر براساس سه مؤلفه اساسی مشخص شده پرداختند:

باطنی (معنا) و ظاهر (کالبد مادی) است. انسان نیز از جایگاهی ممتاز در میان مخلوقات الهی برخوردار بوده و نقش دوگانه جانشین پروردگار و واسط فیض او بر موجودات عالم خلق و در عین حال، بندگی و سرسپردگی فرامین خدا را پذیرفته است. او ضمن یافتن پیوندی جوهری میان وجود خود و عالم پیرامونش از خاکی تا افلاکی، طبیعت را چنان رمزی انگاشته تا به واسطه شناخت حقیقی آن، به معرفت الهی دست یابد.

در حوزه معرفت شناسی، خداوند عالم مطلق و واجد گنجینه علم حقیقی است. از این دریچه، میان "علم" با "معنویت" و "امر قدسی" هم پیوندی ذاتی برقرار است. در این راستا، تحقق شناخت انسان به اذن پروردگار و فیض نور معرفت از صادر نخستین، از سوی بالا و برقراری اتصال آنی عقل جزء مفید بشری به عقل کل (خرد جاویدان) به واسطه امر مشاهده باطنی، از سوی پایین، صورت می گیرد. پیامد این امر، نزدیک شدن به بالاترین سطح از شناخت خداوند است و در مسیر کمال خود، نفس درک کننده انسان، مراتب ادراکی را از حسی تا خیالی، وهمی، عقلی و مافوق عقل را طی کند.

در حوزه روش شناسی، انسان سنتی رضایت الهی را محور حیات خویش قرار می دهد. او برای پیشبرد امور زندگی اش، سه منش درهم تنیده معرفت (پندار نیک)، محبت (کردار نیک) و مخافت (افعال و گفتار نیک) را که در تمامی سنن دینی مشترک اند، در افکار، نیات و اعمالش به کار گرفته تا مسئولیت انسانی خویش را به بهترین نحو ممکن به انجام رساند.

در مطالعات متنوع پژوهش های علوم معاصر، می توان خواستگاه شکل گیری ماهوی و روش شناسانه نظریه زبان الگوی الکساندر را

جدول ۴. مقایسه دو دیدگاه سنت گرایان معنوی و کریستوفر الکساندر پیرامون الگو براساس معیارهای سه گانه ماهیت، ساختار و سازوکار الگو

معیار قیاس	مقایسه دو دیدگاه
<p>معیار قیاس</p>	<p>معنا بخشی: معنا و کیفیت بیشتر بخشیدن به عرصه حیات انسان.</p> <p>موقعیت کارکردی: ابزار دستیابی به دانش و درک مشترک انسانی.</p> <p>محتوای دووجهی و نقش انتقالی: دووجهی بودن محتوای الگو.</p> <p>ریشه انسان گونه: سرشت انسانی الگو.</p> <p>دامنه: جامعیت الگو.</p> <p>جوهر طبیعی: سنخیت الگو با ساختار عالم طبیعت و نظام کیهانی.</p>

ادامه جدول ۴. مقایسه دو دیدگاه سنت‌گرایان معنوی و کریستوفر الکساندر پیرامون الگو براساس معیارهای سه‌گانه ماهیت، ساختار و سازوکار الگو

مقایسه دو دیدگاه	معیار قیاس
<p><b>معنابخشی:</b> اتکای صرف زبان الگو بر وجوه ذهنی و تجربی برخلاف ابعاد چندگانه روحانی، نمادین، خیالی و حسی نظام‌الگوهای یکپارچه سنتی.</p> <p><b>موقعیت کار کردی:</b> هدف زبان الگو مبنی بر ساده‌سازی توأم با کنترل و تسلط انسانی بر ساختارهای پیچیده عالم درمقابل غایت نظام‌الگوهای سنتی نسبت‌به کشف حقایق فرابشری و ارتقای نفس مُدرک انسانی تا وصول به حقیقت.</p> <p><b>محتوای دووجهی و نقش انتقالی:</b> ساختار عینی دومرتبه‌ای (ذهنی - رویدادی) زبان الگو در تقابل با مراتب دوگانه (روحی - عینی) متشکل ساختار نمادین نظام سنتی الگوها در سیر تجلی و تعالی میان عالم افلاک و عالم خاک.</p> <p><b>ریشه انسان‌گونه:</b> دربرگیری ساحت متعالی تر انسانی در نظام‌الگوی سنتی در پیوند طولی میان فاعل و شناسنده نفس او با منشأ ازلی خویش و برقراری انطباق میان ذات، صفات، افعال و افکار انسانی با ذات، صفات و افعال الهی.</p> <p><b>دامنه:</b> دایره کاربرد تجربی و عینی زبان الگو در حوزه کالبدی در کنار جامعیت نظام‌الگوی سنتی در تمام ساحات بشری.</p> <p><b>جوهر طبیعی:</b> سنخیت ذاتی و وجودی نظام‌الگو افزون بر سنخیت زبان الگو با ساختار صوری و هندسی عالم طبیعت.</p>	<p>نقاط تمایز  <b>ماهیت الگو</b></p>
<p><b>سطوح ارتباطی سازنده:</b> سلسله‌مراتبی بودن اجزای (زیرالگوهای) متشکله الگو.</p> <p><b>مدل شیوه تحقق:</b> واجد مکانیزم سه‌گانه مبدأ، مقصد و شیوه انتقال یا اجرا.</p> <p><b>منطق ساختاری:</b> نظام‌مند بودن ساختار الگو.</p> <p><b>عاملیت در پیوند دوسویه الگو با نفس مُدرک:</b> وابستگی الگو به ادراک انسانی در شکل‌گیری و تکوین.</p> <p><b>منبع الهام:</b> طبیعت به‌عنوان مرجع الهام‌بخش مشترک دو الگو.</p>	<p>نقاط شباهت  <b>ساختار الگو</b></p>
<p><b>سطوح ارتباطی سازنده:</b> سطوح متشکله نظام‌الگوهای سنتی، مراتبی از الگوهای مثالی تا الگوهای زمانمند و مکانمند را در بر می‌گیرد، درحالی‌که بالاترین مرتبه زبان الگو، ساحت تجربه و معانی ذهنی متعامل شخصی و مشترک افراد است.</p> <p><b>مدل شیوه تحقق:</b> در زبان الگو بیشترین تأکید در مکانیزم سه‌گانه، بر فرایند اجرای سیر از مبدأ (متدولوژی) به مقصد در تولید فرم کالبدی است. این در حالی است که در نظام سنتی الگو، تأکید بر خصلت دوسویه بودن و دوری بودن طی فرایند (سیر نزولی یا تحقق و سیر صعودی یا تعالی) است و به مکانیزم و گام‌های عملکردی خوانش الگو اشاره‌ای نمی‌شود. مبدأ در زبان الگو، طرح مسئله‌ای تجربی و ذهنی است و هدف، یافتن پاسخی عینی و ملموس بدان است، اما در نظام‌الگوی سنتی، مبدأ همان حقیقت ازلی و جاودان بوده و هدف، امکان تحقق زمانمند و مکانمند آن در عالم خاکی و دنیای مادی است. مکانیزم تحقق در زبان الگو، زایشی و گام‌به‌گام است؛ این در حالی است که چنین مکانیزمی در نظام‌الگوی سنتی، بسته‌به ظرفیت ادراکی فاعل شناسا، می‌تواند به‌مرور یا دفعتاً (آنی) اتفاق بیفتد.</p> <p><b>منطق ساختاری:</b> انتظام شبکه‌ای و هم‌ارزش مراکز مقوم و تأثیرگذار بر زبان الگو در کنار انتظام مرکزی و هم‌گرای نظام‌الگوی سنتی حول مبدأ الهی.</p> <p><b>عاملیت در پیوند دوسویه الگو با نفس مُدرک:</b> استخراج الگو در زبان الگو، با یاری گرفتن از ادراکات ذهنی، تجربی و عینی در بستر منطق علمی صورت می‌پذیرد. در سوی مقابل، فرایند شکل‌گیری نظام‌الگو در بستر سنتی، در بهره‌گیری از تمامی مراتب ادراک انسانی و با محوریت نگاه تأویل‌گرا و شهودی صورت می‌گیرد.</p> <p><b>منبع الهام:</b> مرجع الهام در استخراج نظام‌الگوی سنتی، علاوه بر طبیعت (قرآن تکوینی)، کلام وحی (قرآن تدوینی) است.</p>	<p>نقاط تمایز  <b>ساختار الگو</b></p>
<p><b>تأثیر متقابل جوهری مصنوع و مخلوق:</b> ارتقای تأثیر متقابل مردم و محیط.</p> <p><b>چهارچوب فهم و بیان:</b> خوانش ساختارهای طبیعی در الگوی تحقق کالبدی آثار انسانی.</p> <p><b>نظام تکوینی ارتباطی و عملیاتی:</b> اجزای دوگانه ثابت و پویا (متغیر و تحول‌پذیر) الگوهای تولیدی یک تمدن.</p> <p><b>اصول کلی:</b> شاخصه‌های مشترک کالبدی در دو الگو که مشتمل است بر: هماهنگی فرم و زمینه (انطباق محیطی)، القای کیفیت<sup>۱۲</sup> زنده در درک ساختارهای طبیعی، واقع‌گرایی، یکپارچگی و هماهنگی ساختاری، حس سادگی، متانت و آرامش درون، توجه به مقیاس (معنایی و جسمانی) انسان، اهمیت و اصالت حضور فضای مثبت، حضور مکمل عناصر فرمی، نور و رنگ در ترکیبی زیبا و واجد معنا و نوآوری.</p>	<p>نقاط شباهت  <b>سازوکار (عملکرد) الگو</b></p>



- در جمع‌بندی مطالب بالا، پژوهشگران در نظر دارند تا با تطبیق کلیت اصول ماهوی نظام‌الگوی سنت‌گرایان معنوی و شبکه مؤلفه‌های تعیین‌بخش زبان‌الگوی الکساندر، مطابق فرایند و گام‌های ترسیم‌شده نویسندگان در تصویر ۲ به تدوین نظام‌الگویی عینی‌تر و کارآمدتر سنت‌گرایان در چهارچوب شبکه‌الگوهای سه‌گانه درهم‌تنیده‌ای در سیر از باطن به ظاهر و در سه سطح انسانی، فعلی و کالبدی<sup>۱۳</sup> (تصویر ۳) نایل آیند که به شرح زیر قابل‌بیان است:

### ۱. خصلت‌های انسانی:

- حقیقت‌طلبی: خداجویی
- تابع سنت: راه رسیدن به حقیقت و تحقق آن در چهارچوب مبانی عام و خاص
- روندگی (سالک بودن): کیفیت درونی فرد رونده طریق سنت در حصول به حق

### ۲. خصلت‌های فعلی معمار:

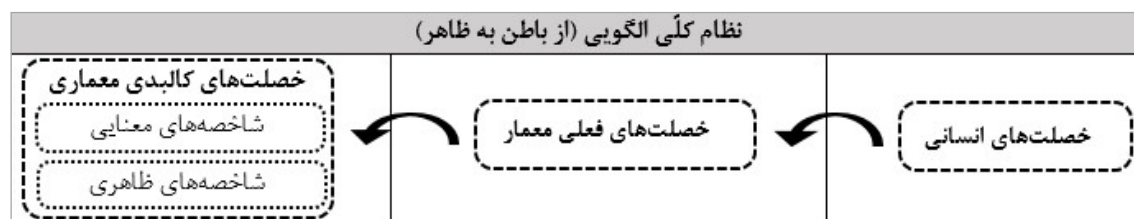
- سیر از اقطاب به قطب: کمال‌گرایی
- سیر از بیرون به درون: دعوت‌کنندگی
- سیر از کثرت به وحدت: حق‌نمایی (آینه حق بودن)
- سیر از چندسویی به سوی واحد: تمرکزگرایی (به‌واسطه چشم صورت و چشم جان)
- سیر از انطباق به تجرد: رهایی از قیود و فنا شدن (خلوص ذاتی)
- سیر از جرم (ثقل) به شفافیت (سبکی): حرکت تکوینی از توده به فضا در سیر افقی و عمودی تشکل کالبدی
- سیر از صورت به نقش: تسهیل حرکت استعلایی نفس از امر محسوس (ظاهر) به متخیل و معقول (باطن)

### ۳. خصلت‌های کالبدی معماری

- ۱.۳. شاخصه‌های معنایی:
- قطبیت: ایجاد مراتب به‌هم‌پیوسته فضایی در حرکت از تمرکززدایی (مبدأ) به مرکزگرایی (مقصد)

### ۲.۳. شاخصه‌های ظاهری:

- نظام کل و جزء: وجود انسجام‌دهنده غالب مرکزی فضاها و عناصر کالبدی در مرکز، در عین حفظ استقلال هر فضا
- درهم‌تنیدگی ماده و خلأ: پیوستگی در رابطه میان توده (پر) و فضای تهی (خالی از ماده) در سیر استکمالی بنا
- امتزاج نور و تاریکی: ایجاد طیفی ملموس از روشنایی به ظلمت و سازنده، بیان نمادین از هدایت مخاطب در عوالم وجودی خود
- انعکاس و آیینگی: تحقق صفات اولی الهی در قالب صورت‌ها و کالبد شفاف و تمثیل‌وار معماری
- انقباض، انبساط و پیوستگی فرمی: آماده‌سازی مخاطب طی‌کننده مسیر در وصول به منازل گوناگون در قالب تحقق سه سطح کلی انبساطی (بسط نوری، چشم‌اندازی و حرکتی) در ساختار فیزیکی فرم و فضا
- آراستگی و پیراستگی (ظاهری و باطنی): کیفیت سیر تشکل مراتب زیبایی (حُسن) از بیرون به درون، از تناسب ظاهری تا تشابه باطنی، از آراستگی محسوس تا پیراستگی مجرد.



تصویر ۳. شمای کلی نظام سلسله‌مراتبی الگوی تحقق معماری از منظر سنت‌گرایان معنوی (نگارندگان)

## نتیجه‌گیری

در واپسین گام پژوهش، پژوهشگران در جدول ۴ با کمک روش مقایسه، به پاسخ پرسش شماره ۱ (شباهت و تمایز نظام‌الگوی سنت‌گرایان با نظریه زبان‌الگوی کریستوفر الکساندر در چه مواردی است؟) همت گماردند و در مقام پاسخ به پرسش شماره ۲ (چگونه می‌توان با تکیه بر مطالعات تطبیقی در بازخوانی دیدگاه زبان‌الگوی الکساندر، به وضوح و کارآمدی بیشتر خوانش صاحب‌نظران مکتب سنت‌گرایان معنوی از الگوهای معماری دست یافت؟) پژوهشگران به‌طور مبسوطی در بخش جمع‌بندی، به تدوین نظام‌مندتر و روشن‌تری از دستگاه‌الگویی سنت‌ورزی در معماری نزد صاحب‌نظران مکتب سنت‌گرایی اقدام نمودند که مشتمل بر شبکه‌ای یکپارچه از مراتب سه‌گانه است. در سطح اول از این نظام سه‌گانه، به سه فضیلت اصلی نفسانی حاکم بر منزلت وجودی معمار سنتی اشاره دارد. این سه شاخصه، تأثیر خود را در سطح دوم که بیانگر پنج خصلت تحقق فعل معماری به شیوه نظر و عمل سنتی است، اعمال نمودند که واجد بیانی طیف‌گونه و در حال شدن (گذار در بین احوال و وضعیت‌های دوگانه هر خصلت) است. تمامی شاخصه‌های بیان‌شده در دو سطح پیش نیز تجلی‌بخش دوازده ویژگی کیفی دربردارنده وجه معنایی و عینی کالبد معماری در سطح سوم هستند. نتایج به‌دست‌آمده این تحقیق می‌تواند با توجه به خلأ اطلاعاتی موجود در زمینه مطالعات مقایسه‌ای و تطبیقی مکاتب فکری الگوساز معماری (عام) و دو نظام‌الگویی موردنظر این پژوهش (خاص)، راه را برای پژوهش‌های آینده در حوزه سنت‌گرایی در معماری هموار نماید.

در پایان سخن، نکته قابل‌ذکر این است که در فهم، تنظیم و تبیین بیشتر نظام‌الگوی سنتی، توجه پژوهشگران آینده به مقوله الگوشناسی و تبیین چهارچوب مبانی فکری مکتب سنت‌گرایان معنوی در حوزه هنر و معماری از مجرای دو راهبرد کلی، حائز اهمیت و مورد پیشنهاد نگارندگان پژوهش است. اولین آنکه بیرون از حوزه نظری مکتب سنت‌گرایی است، بازتنظیم الگوهای سنتی معماری ایرانی با عنایت به نظام فکری و روش‌شناسانه حاکم بر مکاتب عرفانی و حکمی در بستر فرهنگی ایرانی - اسلامی است که پیش‌تر مورد اشاره خود اندیشمندان این نحله فکری در مکتوباتشان بوده است. دومین آن نیز می‌تواند در ملازمت و همراهی نظری خود صاحب‌نظران اصلی مکتب سنت‌گرایی یا پیروان خط فکری ایشان در ابهام‌زدایی، تبیین و تدقیق بیشتر نظام‌الگویی مطرح‌شده خود در زمینه هنر و معماری سنتی خود رقم بخورد.

## پی‌نوشت

1. منشأ انگلیسی واژه Tradition نزد سنت‌گرایان را می‌توان در مکتوبات گنون و پیروان او در زمینه سنت ازلی و سنن دینی در تقابل با کاربرد مدرن، دانشگاهی و مرسوم tradation یافت: «استفاده از این واژه برمی‌گردد به گنون. او از کاربرد اصطلاحاتی که مذهب را می‌رساند پرهیز داشت. به‌هر حال Tradition به معنای خاص آن، در تمایز با سایر کاربردهای این واژه به وجود آمد.» (نصر، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۸)

2. Scientia Sacra
3. Symbolism
4. Pattern
5. Pattern Individual Thought
6. Nous
7. Traditional Model
8. Formula
9. Thought- Pattern
10. Research method of Comparative Studies
11. George Beredy model

۱۲. با اینکه زبان‌الگوی الکساندر و نظام‌الگوی سنت‌گرایان، در غایت خود، به‌دنبال کیفیت‌بخشی به اثر معماری هستند، تلقی آن‌ها از «کیفیت» واجد اختلافی معنادار است. الکساندر برای آن ماهیتی عینی، طبیعی و محسوس قائل است که در سرشت تمامی موجودات زنده نهادینه شده و عامل سازگاری و هم‌زیستی آن‌ها با یکدیگر است: «کیفیتی محوری وجود دارد که مبنای اصلی حیات

و روح هر انسان، شهر، بنا یا طبیعت بکر است. این کیفیت عینی و دقیق است، اما نمی‌توان نامی بر آن گذاشت» (رحمانی، ۱۳۹۶: ۶۹). «کیفیت بی‌نام در بناها، جزئی از طبیعت شدن همراه با حفظ هویت کالبدی خود است. این کیفیت در نهاد انسان وجود داشته و میزان برخورداری انسان از آن، به هماهنگی او با محیطش بستگی تام دارد. الگوهای شناسایی و خلق این کیفیت، زنده و پایدار هستند» (نجازنژاد مشهدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸). توجه به حضور این کیفیات در آثار معماری، به تهییج و تحریک احساسات انسانی و درآمیختن روانی او با فضا منجر می‌شود: «تحریک احساسات عمیق و ایجاد نشاط درونی، بیانگر حضور یک کیفیت عینی عمیق (نه ذهنی) است که در ذات هر چیز است (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). این در حالی است که سنت‌گرایان معنوی — که این پژوهش مبانی نظری آن‌ها را چراغ راه خود قرار داده است — اثر هنری و معماری را زمانی واجد کیفیت می‌دانند که در کنار سازگاری با سرشت زنده طبیعت، اولاً واجد معنا بوده و اتصال‌دهنده جان (نفس) مخاطب با عالم باطن و امر روحانی باشد و ثانیاً میان وجوه باطنی (معنایی) و ظاهری (صورت) آن، تناظر و سنخیتی وجودی برقرار باشد: «ماهیت هنر اسلامی، محیط را کیفاً دگرگون می‌کند و آن را در تعادل و توازن سپهیم می‌کند که مرکز ثقلش، عالم غیب است... [در این تعادل] هر صورتی در مرتبه محسوسات، همتای حقیقت در مرتبه معقولات است» (بورکهارت به نقل از رحمانی، ۱۳۹۶: ۷۱-۷۰). به گفته ایشان، «اغلب آثار معماری اسلامی را می‌توانیم واجد کیفیاتی بدانیم که تأثیرگذاری آن در دریافت مخاطب، به واسطه حضور در فضا و ذات زنده این مکان‌ها عمیق و چندسطحی بوده و به نوعی مرزهای مکانی و زمانی یا فرهنگی و تاریخی را درمی‌نوردد» (رحمانی، ۱۳۹۶: ۶۸-۶۷). بدین ترتیب، وجوه کیفی از تقدم وجودی نسبت به وجوه کمی برخوردار بوده و «سببیت طولی با ذات مکان دارند» (همان).

۱۳. نظام الگویی سه‌گانه مطرح‌شده در بخش دوم بحث توسط نگارندگان که متشکل از سه سطح انسانی، فعلی و کالبدی است، نشئت‌گرفته و برگرفته از ساختار سه‌گانه الگوهای سنتی هنر — که توسط صاحب‌نظر بنام حوزه پژوهش هنر به نام برایان کیبل مطرح شده است — در بخش پیشینه پژوهش و سه حوزه معنایی شکل‌دهنده به ماهیت معماری از منظر صاحب‌نظران منتخب معماری سنتی، چون مهرداد قیومی بیدهندی در بخش ادبیات پژوهش است که تأثیر خود را در دسته‌بندی دیدگاه نظری اندیشمندان مکتب سنت‌گرایان معنوی حول مضمون الگو در زمینه‌های مختلف تحقیقاتی خود در جدول شماره ۲ از بخش مذکور نیز گذاشته و پژوهشگران را در شکل‌گیری چهارچوب کلی نظام‌الگویی سنتی پیشنهادی خود و چیدمان مؤلفه‌های استخراج‌یافته در آن یاری کرده است.

## منابع و مأخذ

- ارباب‌زاده، مرجان؛ اعتصام، ایرج و مفیدی شمیرانی، مجید (۱۳۹۹). معماری بومی ایران در خوانشی نوین از دهه چهل خورشیدی تاکنون. *باغ نظر*، سال هفدهم (۸۶)، ۶۴-۵۱.
- اردلان، نادر (۱۳۷۴). معماری ایرانی در سخن چهار نسل از معماران صاحب‌نظر. *آبادی*، سال پنجم (۱۹)، ۱۸-۱۶.
- اشرفی، نسیم (۱۳۹۹). گونه‌شناسی یا مرکزشناسی؟ (رویکردی نو در خوانش آثار معماری مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی). *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، (۲۱)، ۸۳-۵۹.
- اصلان، عدنان (۱۳۸۵). *پلورالیسم دینی، راه‌های آسمان*، کثرت ادیان از نگاه جان هیک و سید حسین نصر. ترجمه انشالله رحمتی، چاپ اول، تهران: نقش جهان.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶). *معماری و راز جاودانگی*. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ----- (۱۳۹۰). *سرشت نظم (ساختارهای زنده در معماری)*. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، چاپ اول، تهران: پرهام نقش.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵). *هنر اسلامی، زبان و بیان*. ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ اول، تهران: سروش.
- ----- (۱۳۶۹). *هنر مقدس (اصول و روش‌ها)*. ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، تهران: سروش.
- حجت، عیسی (۱۳۹۴). *سنت سنت‌گرایان و سنت‌گرایی معماران*. *هنرهای زیبا*، دوره بیستم (۱)، ۱۶-۵.
- خاک‌زند، مهدی و حسینی کیا، محمدمهدی (۱۳۹۳). *دستیابی به زبان الگوی ایرانی - اسلامی طراحی محیط و منظر*. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۱۷)، ۵۲-۴۵.
- دین پرست، منوچهر (۱۳۸۵). *علم دینی و سنتی از نگاه دکتر نصر*. *ذهن*، (۲۶)، ۸۰-۵۷.
- رحمانی، مهسا (۱۳۹۶). *شان کیفیت در معماری اسلامی، با استناد به آراء ابن عربی*. *مطالعات معماری ایران*، دوره ۶ (۱۲)، ۸۲-۶۷.

- رحمانی، مهسا و نادرنژاد، امین (۱۳۹۲). بازشناسی توانایی (احساس) برای خلق یک معماری زنده با استناد به آرای کریستوفر الکساندر. *صفه*، دوره بیست‌وسوم (۶۲)، ۱۸-۷.
- رضازاده خادم، مهرداد (۱۳۹۹). «زلزال سنت در آیینة معماری (رهیافتی بر الگوهای سنتی معماری ایرانی-اسلامی)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- سلطانی، مهرداد؛ منصوری، امیر و فرزین، احمدعلی (۱۳۹۱). تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری. *باغ نظر*، سال نهم (۲۱)، ۱۴-۳.
- سیدی ساروی، مجید؛ پورمند، حسنعلی و ابوئی، رضا (۱۳۹۷). تبیین الگوی سبک‌شناسی معماری اسلامی (با نگاه به آرای سنت‌گرایان). *معماری اقلیم گرم و خشک*، سال ششم (۸)، ۱۱۷-۱۰۱.
- شریف، حمیدرضا و محمدعلی نژاد، فاطمه (۱۳۹۱). زبان‌الگو و روان‌شناسی شناختی. *صفه*، (۵۶)، ۴۰-۲۳.
- شوان، فریتیوف (۱۳۹۰). *اصول و معیارهای هنر (هنر و معنویت: مجموعه مقالاتی در زمینه حکمت هنر)*. ترجمه و گردآوری انشالله رحمتی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۴۷-۱۰۳.
- شهبازی چگنی، بهروز؛ دادخواه، کاظم و معینی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی نقش الگوهای هویت‌پرداز در هویت معماری معاصر ایران. *مطالعات تطبیقی هنر*، سال چهارم (۸)، ۱۲۲-۱۱۳.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۴). معضل آزمون استدلال علی در تحقیقات تطبیقی - تاریخی. *مسائل اجتماعی ایران*، سال سیزدهم (۵۱-۵۰)، ۱۴۲-۱۲۳.
- فرشچیان، امیرحسین و شجاری، مرتضی (۱۳۹۶). بررسی و نقد دیدگاه دکتر نصر در باب معماری اسلامی و ویژگی‌های آن. *حکمت معاصر*، سال هشتم (۳)، ۱۱۰-۹۱.
- قاسمی، حمید و دیگران (۱۳۹۹). *مرجع پژوهش*. چاپ اول، ویراست هفدهم، تهران: اندیشه‌آرا.
- قدیم‌زاده، سمیه (۱۴۰۱). چالش‌های کاربست اندیشه سنت‌گرا و ضرورت بازاندیشی در معماری معاصر ایران. *مطالعات ملی*، سال بیست‌وسوم (۲)، ۱۶۰-۱۳۹.
- قنوتی، فاطمه و مشایخ، جواد (۱۴۰۱). بنیان‌های روش‌شناختی مطالعات تطبیقی سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری در ایران. *سیاست علم و فناوری*، سال پانزدهم (۲)، ۱۰۸-۹۳.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۹۰). *گفتارهایی در مبنای و تاریخ معماری و هنر*. چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- کاتسینگر، جیمز اس. (۱۳۸۸). *تفرج در باغ حکمت (توصیه به جویندگان حقیقی معنا): تأملاتی بر تعالیم معنوی فریتیوف شووان (شیخ عیسی نورالدین احمد)*. ترجمه محمدحسین صالحی، چاپ اول، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- کاشانی، طاهره عطفی (۱۳۸۹). *سنت‌گرایان*. فرهنگ پژوهش، سال دوم (۶)، ۱۶۸-۱۴۵.
- کیوان‌نژاد، ملیکا؛ تاج، شهره و صالحی، هما. (۱۳۹۸). انطباق زبان‌الگو با معماری بومی روستایی ایران در راستای پایداری محیط (مطالعه موردی: دهستان لفور). *جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، سال دهم (۱)، ۹۴۴-۹۲۵.
- مرادی، پرنا؛ کلهرنیا، بیژن و قنبری، نوذر (۱۳۹۷). *ساختارگرایی و تأثیر آن بر شهرسازی*. *آمایش محیط*، دوره یازدهم (۴۲)، ۲۱۱-۱۸۷.
- منصوری، امیر و تیموری، محمود (۱۳۹۴). *نقد آرای سنت‌گرایان معاصر در زمینه هنر و معماری اسلامی (با تکیه بر مفهوم سنت در تعریف معماری اسلامی)*. *فیروزه اسلام (پژوهه معماری و شهرسازی اسلامی)*، سال یکم (۱)، ۱۴-۱.
- مهاجری، ناهید و قمی، شیوا (۱۳۸۷). رویکردی تحلیلی بر نظریه‌های طراحی کریستوفر الکساندر (از یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم و زبان‌الگو تا مفاهیم جدیدی از نظریه پیچیدگی). *هویت شهر*، سال دوم (۲)، ۵۶-۴۵.
- نجارنژاد مشهدی، مرجانه؛ افضلیان، خسرو و سیدالحسینی، محسن (۱۴۰۰). درک سرشت الگوهای ماندگار معماری ایران (با انطباق مفهوم ماندگاری از دیدگاه کریستوفر الکساندر بر الگوهای معماری). *اندیشه معماری*، سال پنجم (۹)، ۱۸-۱.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۰). *اسلام سنتی*. تدوین نورالله قیصری، متین، (۱)، ۱۷۰-۱۵۵.
- (۱۳۷۴). *یگانگی عمل و نظر معماری در سخن متفکران معاصر*. *آبادی*، سال پنجم (۱۹)، ۴۹-۴۶.
- (۱۳۷۵). *هنر و معنویت اسلامی*. ترجمه رحیم قاسمیان، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- (۱۳۸۰). *معرفت و معنویت*. ترجمه انشالله رحمتی، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- (۱۳۸۰). *معرفت و امر قدسی*. ترجمه فرزاد حاجی‌میرزائی، چاپ اول، تهران: مؤسسه نشر فرزاد روز.



- - (۱۳۸۳). اسلام و تنگناهای انسان متجدد. ترجمه انشالله رحمتی، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- - (۱۳۸۵). معماری اسلامی و هویت ایرانی. تدوین حسن طاهری، پنجره، دوره هفتم (۶)، ۳۰-۳۷.
- - (۱۳۹۲). آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام. ترجمه انشالله رحمتی، چاپ سوم، تهران: سوفیا.
- - (۱۳۹۳). نیاز به علم مقدس. تدوین احمدرضا جلیلی، ترجمه حسن میاننداری، چاپ سوم، قم: طه.
- Alexander, C. (2004). **The Nature Of Order: An Essay On The Art Of Building And The Nature Of Universe**. New York, USA: Oxford University Press.
- Keeble, B. (1977). Tradition, Thought, Artist. *Journal Of Comparative Religious Studies*, Volume 11 (4), 1-8.
- Nasr, S. (1978). The Contemporary Muslim And The Architectural Transformation Of The Islamic Urban Environment: In Toward An Architecture In The Spirit Of Islam. *Gouvieux, France: The Agha Khan Foundation, Proceedings Of The Agha Khan Award Seminar For Architecture Held In Aiglemont*, (1), 1-5.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

Received: 2023/03/27

Accepted: 2023/06/07

## **A Comparison of the Model of Architectural Traditionalism with the Language of Christopher Alexander's Pattern (An Approach to Developing a Process-Oriented Model, the System of Traditional Architectural Pattern)**

**Mehrdad Rezazadeh Khadem\* Vahid Ahmadi\*\***

### **Abstract**

In the second half of the 20th century, one of the most important events that introduced exogenous criticism to the modern theoretical foundations was the school of spiritual traditionalists. Even though his writings were considered one of the first and most important steps of non-western researchers in explaining the position of the artist and identifying the esoteric roots and principles governing traditional works of art and architecture; Due to the philosophers and comprehensiveness of the dominant approach of these thinkers, we witnessed a general view of the nature of traditional art and architecture patterns, which less in the field of methodology, focused on how to achieve the principles of tradition within the framework of a work in its specific time and place. The existence of this ambiguity, more than ever, enhanced the chaotic atmosphere that dominates contemporary theoretical studies of architectural history from the traditional point of view and the orderly framework of the ruling part. On the other hand, at the same time, we have witnessed the emergence of specialized researchers such as Christopher Alexander who, in criticizing the modern approach, tried to explain more methodically, objectively, and process-oriented patterns in the field of quality architectural design. The present research intended to use the research method of comparative studies and the George Beredy's model method, while comparing the two model systems mentioned and expressing the points of commonality and difference of these two views in the three main axes of nature, structure, and mechanism. Then, taking into account the special and relevant features of each one, by examining the research and setting up the three analytical frameworks (the series of structuring verbs, actions and interpretation), is trying to adapt the readable and process-like expression of Alexander with the semantic structure governing the traditional architectural model, the possibility of empowerment and greater clarity of the pattern system of spiritual traditionalists in the form of a network of triple human patterns (inherent virtues of the architect), actions (current qualities) and physical (spiritual, mystical and aesthetic traits) enables.

**Keywords:** Traditional pattern system, School of Spiritual Traditionalists, Alexander's pattern language, Analogy, Comparison

---

\* Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran  
(Corresponding Author). [mrezazadehkhadem@gmail.com](mailto:mrezazadehkhadem@gmail.com)

\*\* Assistant Professor, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.  
[vahid.ahmadi@mshdiau.ac.ir](mailto:vahid.ahmadi@mshdiau.ac.ir)